



جمهوری اسلامی ایران
قوه قضائیه
معاونت امور بین الملل



جمهوری اسلامی ایران
ستاد حقوق بشر

تشکیل دادگاه رسیدگی به اتهامات گروهک تروریستی منافقین (موسوم به سازمان مجاهدین خلق)



معاونت امور بین الملل قوه قضائیه
و ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران

گزارش شماره ۱: بیست و هفتم آذرماه ۱۴۰۲

الله الرحمن الرحمن

معاونت امور بین الملل قوه قضائیه
و ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران

آذرماه ۱۴۰۲

جمهوری اسلامی ایران از بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۷ تا به امروز، یکی از بزرگترین قربانیان تروریسم و جولانگاه گروهک‌های تروریستی داخلی و خارجی بوده و در این مدت، هزاران انسان بی‌گناه به دست آنان شهید و یا به شدت مجروح شده‌اند. گروهک‌های تروریستی تمامی اقشار جامعه از زن و مرد، کودک و پیر، و دانشمندان را هدف قرار داده‌اند.

در این میان، بیشترین ترورها که مصداق جنایت علیه بشریت است، توسط گروهک تروریستی منافقین (موسوم به سازمان مجاهدین خلق) در ایران انجام شده است. این گروهک از همان آغاز انقلاب اسلامی با انجام انفجار در مراکز شلوغ شهرها، ترور مسؤولان کشور، حمله به افراد با اسلحه و چاقو، آدم‌ربایی و شکنجه مردم و خیانت به کشور از جمله از طریق جاسوسی برای رژیم بعث صدام، به نوعی شروع به انتقام از مردم بی‌گناه نمود؛ به طوری که ۱۷ هزار نفر توسط عوامل این گروهک به شهادت رسیده‌اند.



در معرفی منافقین همین بس که مهمترین اولویت و مبنای اصلی عملکرد آن، ترور و قتل افرادی است که با آنان هم نظر نبوده و آنان را منکر می‌شدند. این مسئله را می‌توان به طور مشهود، در اسناد و بیانیه‌های منتشره توسط آنان مشاهده نمود. حال آنکه قتل و کشتن افراد بی‌گناه آن هم به شیوه‌های ناجوانمردانه، مانند بمب‌گذاری در مراکز تجمع غیرنظامیان، آشکارترین و فاحش‌ترین نقض حقوق بشر می‌باشد. بر همین اساس، عوامل این گروهک در سال ۱۳۶۰ دست به ترور و کشتار مسؤولین کشور از جمله رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، رئیس قوه قضائیه، وزراء، نمایندگان مجلس، روحانیون برجسته کشور و شهروندان ایرانی در مقیاس گسترده‌ای زدند. منافقین پس از ترور شخصیت‌های کشور در سال ۱۳۶۰، روی به سمت کشتار مردم بی‌گناه آورده و تنها بین سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷، بیش از ۱۷ هزار نفر از

مردم را به شهادت رساندند که اسامی و اسناد آنها موجود است. از دیگر جرائم این گروهک، خیانت به کشور و جاسوسی برای دولت‌های متخاصم می‌باشد. این گروهک در جریان تجاوز رژیم بعث عراق به ایران، اطلاعات مختلفی از جمله محل تجمع شهروندان را برای موشک باران به این رژیم منتقل می‌نمود.



مردم بی‌گناه دیگر کشورهای منطقه از جمله عراق و سوریه نیز شاهد جنایت‌های این گروهک بوده‌اند. نیروهای منافقین، پس از استقرار در عراق و در همکاری با رژیم صدام، جنایات گسترده‌ای علیه اقوام مختلف این کشور از جمله شیعیان و اکراد مرتکب شدند. تنها در یکی از جنایت‌ها که به "انفال کردها" مشهور است و از فوریه تا سپتامبر ۱۹۸۸ در استان‌های کرکوک، دیاله، نینوا و صلاح الدین اجراء شد، بیش از ۳۰۰۰ روستا نابود و بیش از ۱۸۲ هزار جمعیت بی‌دفاع با همکاری نیروهای منافقین به طرق فجیعی از جمله زنده به گور کردن، بریدن سر، تیرباران‌های جمعی و سوزاندن به قتل رسیدند. نظام قضائی عراق در همین رابطه پرونده‌ای را برای منافقین مفتوح نموده و برای ۱۱۸ نفر از عوامل اصلی آن حکم جلب صادر کرده است. این گروهک، همچنین پس از آغاز فعالیت گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق از سال ۲۰۱۱، همراه با دیگر تروریست‌ها در سوریه دست به کشتار گسترده مردم سوریه زده و ضمن آموزش نیروهای تروریستی، جنایات گسترده‌ای را در این منطقه انجام داده‌اند.

سران این گروهک جنایتکار نه تنها به مخالفین خود رحم ننموده و آنها را به طرز فجیعی به قتل می‌رسانند، بلکه به نیروهای تحت فرمان و عضو سازمان خود نیز رحم نکرده و ضمن وضع قوانین داخلی بسیار سخت، افراد نقض کننده این قوانین را به طرق دردناکی از جمله انداختن در سیاهچال، اعدام، عقیم نمودن، شکنجه‌های وحشتناک، عدم ملاقات همسر تا چندماه، و دور نگه داشتن کودکان از والدین به مدت طولانی تنبیه می‌کنند. سرکرده قبلی این گروهک (مسعود رجوی) به منظور مطیع نگه داشتن زنان

عضو، ضمن اعمال قوانین سخت، بسیاری از آنان را عقیم نموده و در اقدامی غیرانسانی و غیراخلاقی، برخی از زنان را وادار به جدایی از همسر و اجبار به ازدواج با خود نموده است.

با توجه به مصونیت اعطایی از سوی برخی کشورهای غربی و آمریکا به این گروهک و پهن نمودن فرش قرمز برای حضور در جلسات و نشست‌های دولتی و پارلمانی و حتی حمایت مادی و معنوی از آنان، در کمال تأسف مدت‌هاست شاهد آن هستیم که سران این نهاد جانی و خطرناک، چهره حقوق بشری به خود گرفته و خود را حامی حقوق بشر معرفی می‌نمایند!

در اسناد رسمی منتشره از سوی نهادهای دولتی و امنیتی وابسته به کشورهای غربی، بارها به ماهیت تروریستی گروهک منافقین اذعان شده و از سوی این نهادها تحریم شده‌اند. به عنوان مثال، در گزارش منتشره از سوی اداره تحقیقات فدرال آمریکا در سال ۲۰۰۴، ضمن اشاره به اینکه این نهاد در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دارد، آمده است که شورای ملی مقاومت (منافقین)، تروریسم را به عنوان ابزاری جهت مقابله با حکومت ایران می‌داند. در گزارش دادگاه استیناف منطقه کلمبیا آمریکا در ژوئیه ۲۰۱۰ نیز آمده است که این نهاد به برخی نیروهای زن خود، آموزش عملیات انتحاری داده است. کانادا تا سال ۲۰۱۲ این گروه را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد. اتحادیه اروپا نیز تا سال ۲۰۰۹ هر سال نام این گروه را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار می‌داد و تا پیش از آن، اسناد و بیانیه‌های فراوانی از سوی مقامات مختلف کشورهای اروپایی در اذعان به تروریستی بودن این نهاد منتشر می‌شد.

دروغ‌پردازی‌های این سازمان در دفاع از حقوق بشر را می‌توان علاوه بر نگاه به گذشته آنها، در بیانیه سرکرده این گروهک تروریستی در دوم نوامبر ۲۰۱۴ مشاهده نمود. وی در این بیانیه از تمامی هواداران خود خواست نه تنها مقامات جمهوری اسلامی و مخالفان خود را ترور کرده و به قتل برسانند، بلکه از آنان خواسته است تا آن دسته از اعضای سازمان را که توانسته‌اند از این سازمان فرار کنند، دستگیر و به قتل برسانند. در تایید ماهیت ضد حقوق بشری این گروهک، همچنین می‌توان به سندی که اخیراً (۴ فوریه ۲۰۲۲) مبنی بر همکاری سرکرده سابق این گروهک با سازمان اطلاعات و امنیت رژیم دیکتاتور شاه موسوم به ساواک منتشر شد، اشاره کرد. برابر این سند، فرمانده سابق این گروهک نه تنها عامل ساواک در شناسائی، قتل و کشتار مردم مخالف رژیم شاه بود، بلکه حتی نسبت به اعضای گروهک خود نیز رحمی نشان نمی‌داد.

پارلمان اروپا در قطعنامه مورخ ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۳ خود در مورد "توصیه‌هایی برای اصلاح مقررات پارلمان اروپا در مورد شفافیت، صداقت، پاسخگویی و مبارزه با فساد" نیز در یک بند از فریبکاری‌های این گروهک تروریستی برای جذب سیاستمداران و سوء استفاده از نام آنها پرده‌برداری می‌کند. این قطعنامه، گروهک تروریستی منافقین را سازمانی معرفی کرده است که «متهم به ارباب، شکنجه و قتل اعضای دیاسپورای ایرانی است و از شیوه‌های تهاجمی و مبهم برای دیدار با نمایندگان پارلمان اروپا، از جمله با پنهان کردن

وابستگی حقیقی خود به این گروه استفاده می‌کند.» «قرار دادن نام نمایندگان پارلمان اروپا در فهرست امضاء کنندگان نامه‌هایی که امضاء نکرده‌اند یا به عنوان میزبان مشترک کنفرانس‌هایی که هرگز آن را تایید نکرده‌اند و همچنین استفاده از ۴۵ عنوان جعلی برای گمراه کردن نمایندگان پارلمان اروپا»، از دیگر اقدامات فریبکارانه این گروهک است که در این قطعنامه به آن‌ها اشاره شده است.

ذکر این نکته نیز ضروری است که گروهک منافقین همچنان ماهیت تروریستی خود را حفظ کرده است. برخی از اعضای این گروهک اخیراً نیز در جریان فعالیت‌های تروریستی دستگیر شده و به نظام قضائی معرفی شده‌اند.

تشکیل پرونده قضائی و شروع به تحقیقات در خصوص اتهامات و جرائم گروهک تروریستی منافقین و اعضای اصلی و فعال آن

با توجه به جرائم مختلف ارتكابی و اتهاماتی که متوجه گروهک تروریستی منافقین و اعضای اصلی و فعال آن بود، دادستانی تهران (پایتخت)، انجام تحقیقات را از سال ۱۴۰۱ آغاز و پس از بررسی‌های کامل و جامع، کیفرخواستی را در تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۸ صادر و به دادگستری تهران (برای رسیدگی قضائی) ارسال نمود. کیفرخواست در ۷۲۹ صفحه تنظیم شده و شامل ۶۷۵۷ صفحه مستندات مکتوب و ۱۰۰۰ ساعت مستندات صوتی و تصویری می‌باشد.

بخش اول کیفرخواست، شامل اسامی و تصاویر ۱۰۵ متهم پرونده (۱ شخص حقوقی بنام گروهک تروریستی منافقین و ۱۰۴ شخص حقوقی از اعضای اصلی و فعال این گروهک) عناوین اتهامی آنان و جهات قانونی شروع به تعقیب متهمان می‌باشد. اهم عناوین اتهامی این گروهک تروریستی به شرح زیر می‌باشد:

- تسبیب در افساد فی الارض در اجتماع با مباشرین و مسببین اقدامات جنایتکارانه و گسترده ارتكابی توسط اعضای سازمان یافته خود در زمینه ارتكاب جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران، احراق و تخریب در حد وسیع، جنایات گسترده علیه تمامیت جسمانی افراد منتهی به قتل عمد (شهادت) ۱۷۰۰۰ نفر از اتباع ایران، اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی و ورود خسارات عمده به تمامیت جسمانی افراد و اموال عمومی و خصوصی، طرح‌ریزی اقدامات مسلحانه علیه شهروندان ایران، تأمین مالی اقدامات مجرمانه و تهیه و ارائه سلاح و بمب و تجهیزات لازم برای ارتكاب جرائم از سال ۱۳۵۷ تاکنون در داخل و خارج از ایران؛

^۱ . گروهک تروریستی منافقین- مسعود رجوی - مریم قجر عضدانلو معروف به مریم رجوی - مهدی ابریشمچی - زهره اخیانی - فهیمه اروانی - مهدی براعی - مژگان پارسیایی - زهرا مریخی آهنگر کلایی - محمد علی توحیدی خانیکی - علی خدایی صفت - مهدی خدایی صفت - عباسعلی داوری فیضی پور آذر - سید مجید سید المحدثین - صدیقه حسینی - محمد طریقت منفرد - مهوش سپهری - قدسی خرازیان - مهناز سلیمانیان - محسن سیاه کلاه - مریم فضل مشهدی - بهشته شادرو - زیلا دیهیم - ابوالقاسم رضایی - حمیرا حجتی امامی - محمود عطایی کاریزی - گلنار جواهری ساعتچی - مهریان حاجی نژاد - مرتضی اسماعیلیان مارنانی - دولت نوروزی منجیلی - زهرا بخشایی - محمد حیاتی - نیکو خائفی اشکذری - عذرا علوی طالقانی - جمیله ابریشم چی - محمود قجر عضدانلو - بدری پورطیباخ - محمد جواد قدیری مدرسی - فرهاد الفت - رویا احمدی موسوی - بهزاد نظیری - فرشته یگانه - معصومه بلورچی - یاسر جهان نژادی - فائزه خیاط حساری محمدی - صالح رجوی - محمد سادات خوانساری - پرنیان سرآمد - حکیمه سعادت نژاد - حمیده شاهرخی امیری - ثریا شهری - پروین صفایی - محمود فخارزاده - عشرت محبت کار - علیرضا معدنچی - عباس میناجی مقدم - حمیدرضا اسحاقی - علیرضا امام جمعه - اسدالله اوسطی - فاطمه آدرسی - مصطفی آسیفی - زهره بنی جمالی - محمود بنی هاشمی - اسدالله بهرامی - علیرضا بهرامی - عزیز اله پاک نژاد - مهراپروز پیکر نگار - مریم حاج خانیان - احمد حنیف نژاد - پرویز خزائی - حسین دادخواه - فاطمه داوران - حسین ربوبی خوششانی - سپیده ابراهیمی - بیژن رحیمی - آزاده رضایی - هادی روشن روانی - محمد سادات دربندی - فریدون سلیمی - عباس شاکری - سهیلا شعبانی - احمد شکرانی - سهیلا صادق - مهران صادق - طاهره ضیائی - کبری طهماسبی - رقیه عباسی - زهره عطریانفر - مهری علیقلی - مرتضی فخار - سید اسدالله فقیه دزفولی - ایرج فیض بوسجینی - پرویز کریمیان سیچانی - احمد گلپایگانی - فرید ماهوتچی حسینی - مهدی مددی الموسوی - سید محمود احمدی علون آبادی - سید جواد احمدی علون آبادی - اسماعیل مرتضایی - محمود معیری - رقیه ملک محمدی - حسن نظام الملکی - نسرن نظری علی آبادی - علی هادی زاده - الله کرم هوشنگی.

- تسبیب در بغی در اجتماع با اعضای باغی خود؛
- تسبیب در محاربه در اجتماع با اعضای محارب خود؛
- سببیت در تشکیل و اداره جمعیت یا فرقه تروریستی و ضدامنیتی موسوم به سازمان مجاهدین خلق ایران معروف به سازمان منافقین در اجتماع با اعضای مرکزیت سازمان؛
- تسبیب در همکاری مؤثر اطلاعاتی در جاسوسی سازمان یافته با دولت بیگانه و متخاصم رژیم بعث عراق در اجتماع با اعضای مرکزیت سازمان با هدف ایراد ضربه و خسارت به امنیت ملی بویژه در طول ۸ سال جنگ تحمیلی به ایران؛
- تسبیب در همکاری با دولت خارجی متخاصم (رژیم بعث عراق) طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ در اجتماع با اعضای مرکزیت سازمان با مشارکت در تاسیس پادگان اشرف در عراق؛
- تسبیب در تحریک و تهییج به آشوب و اخلال در نظم عمومی به قصد برهم زدن امنیت کشور و امنیت عمومی و تشویش اذهان عمومی؛
- تسبیب در آدم‌ربایی‌های متعدد و سازمان یافته توأم با شکنجه و آزار و اذیت‌های جسمی و روحی در اجتماع با مرتکبین این جنایات؛
- تسبیب در انواع تخریب و تحریق عمومی اموال مردم و اموال عمومی در اجتماع با مباشرین و مرتکبین این جرائم؛
- تسبیب در اجتماع و تبانی علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و همچنین علیه جان و مال مردم در اجتماع با سایر مباشرین (اعضای سازمان)؛
- تسبیب در انواع سرقت‌های مسلحانه و غارت اموال عمومی و خصوصی در اجتماع با مباشرین و مرتکبین این جرائم؛
- تسبیب در هواپیماربایی‌های صورت پذیرفته در اجتماع با مباشرین و مرتکبین این جرائم؛
- تسبیب در اقدامات تروریستی سازمان یافته منجر به ضرب و جرح و قتل عمد افراد در اجتماع با مباشرین و مرتکبین این جرائم؛
- تسبیب در فعالیت تبلیغی و نشر اکاذیب در اجتماع با مباشرین و مرتکبین این جرائم؛
- تسبیب در تأمین مالی تروریسم در اجتماع با سایر مباشرین و مرتکبین جرائم به قصد سازماندهی اعضای خود برای ارتکاب جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور.

در ادامه، عناوین اتهامی ۱۰۴ متهم حقیقی نیز به طور دقیق و برای هر کدام به طور مجزا در متن کیفرخواست آمده است. همچنین، تأکید شده است از آنجا که اتهامات مذکور صرفاً بخشی از جرائم گروهک تروریستی منافقین و اعضای تروریست آن می‌باشد، علیهذا پرونده از حیث سایر عناوین اتهامی متهمان، اتهامات سایر اعضای سازمان، شکایات خصوصی دیگر شکات یا اولیاء دم و خسارات مادی وارده به اموال عمومی، مفتوح بوده و جداگانه رسیدگی خواهد شد.

جهات قانونی شروع به تعقیب متهمان و همچنین دلائل، قرائن و امارات انتسابی به آنان نیز به شرح زیر ذکر شده است:

- شکایت ۲۱۵ ولی دم و شاکی خصوصی؛
- گزارشات ضابطان قضائی (۲۱ گزارش) با محوریت جنایات ارتكابی توسط سازمان منافقین و اعضای کادر مرکزی منافقین؛
- اقراریه متهمان در سخنرانی‌ها، نشست‌ها، جلسات عمومی و خصوصی سازمان منافقین، بیانیه‌ها مصاحبه‌های انجام شده با رسانه‌های خبری خارجی پیرامون پذیرش مسئولیت جنایت‌های ارتكابی توسط گروهک و سایر جرائم موضوع این پرونده؛
- اظهارات سایر متهمان دستگیر شده راجع به سازمان منافقین و اعضاء کادر مرکزی آن؛
- شهادت شهود و اظهارات گواهان حاضر در صحنه واقعه تروریستی و شهادت نامه‌های اعضای سابق گروهک علیه سازمان منافقین و کادر مرکزی آن در خصوص نقش سازمان و مرکزیت آن در جنایات ارتكابی موضوع این پرونده؛
- اظهارات و شهادت اعضای جدا شده (توابین و بریده‌ها) از منافقین علیه سازمان منافقین و کادر مرکزی آن در شعبه بازپرسی؛
- پذیرش مسئولیت جنایات موضوع این پرونده توسط سازمان منافقین از طریق درج اطلاعیه و خبر این اقدامات تروریستی در ارگان رسمی خبری خود.

در بخش دوم کیفرخواست، ادله اثبات عمومی وقوع بزه و انتساب آن به متهمان ذکر شده است که اهم آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

- مستندات مربوط به ورود غیر رسمی گروهک به فاز نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی؛
- مستندات مربوط به تشکیل میلشیا (نیروی شبه نظامی) و فراهم آوردن مقدمات ورود رسمی به فاز نظامی در ۱۳۵۸/۰۹/۰۲؛
- مستندات مربوط به ورود رسمی به فاز نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران از تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۶۰؛
- مستندات مربوط به تأسیس تشکیلات موسوم به شورای ملی مقاومت ایران در تاریخ ۱۳۶۰/۰۳/۳۰ با هدف مقابله مسلحانه و همه جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران؛
- مستندات مربوط به تشکیل هسته‌های موسوم به مقاومت در اوائل دهه ۱۳۶۰ به قصد مقابله با نظام و انجام عملیات‌های تروریستی؛

- مستندات مربوط به آموزش نبرد در حوزه‌های اطلاعاتی و عملیاتی به قصد ارتکاب عملیات تروریستی و جرائم امنیتی در داخل و خارج کشور؛
- مستندات مربوط به نفوذ در ارکان جمهوری اسلامی ایران به منظور دستیابی به اخبار و اطلاعات و سپس، طراحی و اجرای اقدامات تروریستی و جرائم ضد امنیتی؛
- مستندات مربوط به ترسیم خطوط تروریستی گروهک تحت عناوین حذف سران نظام به قصد براندازی نظام و اقدام علیه امنیت کشور؛
- مستندات مربوط به راه‌اندازی و فعالیت رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری به قصد تبلیغ گروهک و آموزش اقدامات تروریستی و مجرمانه؛
- مستندات مربوط به همکاری گروهک با رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران در طول ۸ سال جنگ تحمیلی و حتی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل و همچنین در موضوع نسل‌کشی اکراد عراق در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱)؛
- مستندات مربوط به تشکیل ارتش موسوم به آزادی بخش ملی (NLA) در ۱۳۶۶/۰۳/۳۰ به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران و براندازی آن؛
- مستندات مربوط به شهادت تعدادی از اعضای سابق گروهک در مرحله تحقیقات مقدماتی نزد مرجع قضایی در خصوص سازمان، اهداف و اقدامات تروریستی؛
- مستندات مربوط به فعالیت و جایگاه هر یک از متهمان به عنوان اعضای اصلی و فعال گروهک.

	متهم ردیف دوم	
شماره شناسنامه	نام و نام خانوادگی	نام پدر
۶۷	مسعود رجوی	میرزا حسین
کد ملی	تاریخ تولد	محل تولد
۰۸۳۹۴۲۰۹۵۱	۱۳۲۷/۰۴/۱۶	طبس
اسامی مستعار	سمت	
-	رهبر سازمان موسوم به مجاهدین خلق ایران	

بخش سوم کیفرخواست، شامل مصادیق جنایات ارتكابی (اتهامات انتسابی) است. برخی مصادیق مطرحه در این بخش، به شرح زیر می‌باشد:

- مشارکت در اداره تشکیلات یا فرقه تروریستی و ضد امنیتی موسوم به سازمان مجاهدین خلق ایران معروف به سازمان منافقین از سال ۱۳۵۷ تاکنون در داخل ایران و خارج از ایران از جمله کشورهای عراق، فرانسه و آلبانی با هدف برهم زدن امنیت ملی ایران از طرق مختلف؛
- اقدامات تروریستی و سازمان یافته علیه مسؤولان عالیرتبه نظام و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی تحت عنوان «حذف سران نظام» منجر به شهادت (قتل عمدی) و مجروحیت تعداد زیادی از آنان با هدف مقابله با نظام؛
- اقدام تروریستی و سازمان یافته انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی منجر به شهادت (قتل عمدی) آیت الله دکتر سید محمد حسین بهشتی، رئیس وقت دیوانعالی کشور و ۷۲ نفر دیگر و مجروحیت ۲۴ نفر؛
- اقدام تروریستی و سازمان یافته انفجار دفتر نخست وزیری منجر به شهادت (قتل عمدی) آقایان محمد علی رجایی (رئیس جمهور وقت)، دکتر محمد جواد باهنر (نخست وزیر وقت) و سه نفر دیگر؛
- اقدام تروریستی، انتحاری و سازمان یافته منجر به شهادت (قتل عمد) ۵ نفر از ائمه جمعه مراکز استان‌ها و شهادت ۲۹ نفر دیگر؛
- اقدام تروریستی و سازمان یافته انفجار دفتر دادستانی کل کشور منجر به شهادت (قتل عمد) آیت الله علی قدوسی، دادستان کل کشور؛
- اقدام تروریستی و سازمان یافته منجر به شهادت (قتل عمد) سپهبد علی صیاد شیرازی، جانشین وقت رئیس ستاد کل نیروهای مسلح؛
- اقدامات تروریستی متعدد علیه کارکنان دستگاه‌های دولتی، نیروهای نظامی و انتظامی و مردم عادی منجر به شهادت (قتل عمدی) و مجروحیت آنان؛
- انجام عملیات‌های نظامی- تروریستی سازمان یافته (مانند آفتاب، چلچراغ، فروغ جاویدان) در حمایت از رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران منجر به شهادت (قتل عمدی) و مجروحیت صدها نفر و تخریب اموال عمومی و خصوصی گروه؛
- مشارکت و همکاری مؤثر اطلاعاتی در جاسوسی سازمان یافته یا دولت بیگانه و متخاصم رژیم بعث عراق با هدف ایراد ضربه و خسارت به امنیت ملی، بویژه در طول ۸ سال جنگ تحمیلی؛

- انجام اقدام تروریستی منجر به انفجار لوله‌های نفتی ایران، ربایش هواپیماهای جنگی و مسافربری، سرقت‌های مسلحانه از بانک‌ها به قصد تأمین مالی تروریسم و مقابله با نظام و اقدام علیه امنیت کشور؛
- اقدامات تروریستی از طریق ربایش افراد، شکنجه و شهادت (قتل عمدی) آنان به قصد ایجاد رعب و وحشت و مقابله با نظام و اقدام علیه امنیت کشور؛
- اقدامات تروریستی و سازمان یافته علیه ساختمان‌ها، اماکن و اموال عمومی و خصوصی، منجر به شهادت (قتل عمدی) و مجروحیت عده کثیری از مردم عادی؛
- اقدامات تروریستی و سازمان یافته در حمله به برخی سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور.

متهم ردیف سوم	
شماره شناسنامه	نام و نام خانوادگی
۱۵۷۵	مریم قجرعضدانلو
کد ملی	نام پدر
۰۰۴۱۶۵۴۳۵۸	حسین
اسامی مستعار	تاریخ تولد
رجوی، طیبه امامی، ناهید اسدیان	۱۳۳۲/۰۹/۱۳
سمت	محل تولد
	تهران

آغاز رسیدگی قضائی به پرونده گروهک تروریستی منافقین و اعضای فعال و اصلی آن

با ارسال کیفرخواست از سوی دادستانی به دادگاه، شعبه‌ای از دادگاه کیفری ۱ تهران با حضور سه قاضی (یک رئیس و دو مستشار) برای رسیدگی به این پرونده تعیین گردید. مراتب برای تعیین و معرفی وکیل از طریق ایمیل و نشر در جرائد کثیرالانتشار به اطلاع متهمان رسید و بدلیل عدم معرفی وکیل در موعد تعیین شده قانونی، در راستای حق دفاع متهمان دادگاه ۵ نفر را به عنوان وکیل تسخیری برای آنان تعیین نمود: خانم‌ها پیروزفر، شیخی، کمالی و آقایان محمدی گرکان و حاج محمدی. دادگاه سپس از انتخاب وکلای تسخیری، بلافاصله به آنان اعلام کرد تا ایرادات و اعتراضات خود را شامل مرور زمان،

دادرسی، قابل تعقیب کیفری نبودن و نقص تحقیقات یا هر موضوع دیگر تسلیم دادگاه کنند؛ دادگاه ایراد یا اعتراضی از وکلای تسخیری دریافت ننمود و لذا، وقت رسیدگی تعیین گردید. تمامی این مراحل طبق مفاد قانون آئین دادرسی کیفری و مطابق با اصول دادرسی عادلانه طی شدند.

از اینرو، اولین جلسه دادگاه در ۲۱ آذرماه ۱۴۰۲ با حضور وکلای تسخیری، جمعی از خانواده‌های قربانیان، قضات شعبه رسیدگی کننده و نماینده دادستان به صورت **علنی** برگزار گردید.



پس از تشریح جزئیات رسیدگی به جرائم گروهک تروریستی منافقین توسط رئیس دادگاه، نماینده دادستان در این جلسه از دادگاه به **قرائت بخش‌هایی از کیفرخواست** پرداخت. اهم مطالب مطروحه از سوی ایشان، به شرح زیر می‌باشد:

۱. برخی از نیروهای جوان نهضت آزادی مانند محمد حنیف نژاد، سعید محسن و علی اصغر بدیع زادگان در جلسات مخفیانه و مستمر در سال ۱۳۴۴ (مصادف با ۱۹۶۵-۱۹۶۶ میلادی) برای مبارزه با رژیم شاه مبادرت به تشکیل گروهی کردند که سال‌ها بعد نام سازمان موسوم به مجاهدین خلق ایران (MKO) را به خود گرفت. این گروه پس از تشکیل شروع به عضوگیری کرده، به منظور اتخاذ یک خطمشی مبارزاتی و راهبرد درازمدت، به مطالعات گسترده روی متون ماتریالیسم فلسفی و تاریخی پرداخت. به واسطه رسوخ عمیق دیدگاه‌های ماتریالیستی در میان بخش اعظم اعضا و کادرهای این گروه در سال ۱۳۵۴ (مصادف با ۱۹۷۶-۱۹۷۵ میلادی)، سازمان با صدور اطلاعیه‌ای رسماً مارکسیست شدن گروه را هم در میان اعضای زندانی و هم در میان اعضا و کادرهای خارج از زندان اعلام نمود و چند تن از اعضا که از پذیرش آن خودداری کردند، به طرز فجیعی توسط سازمان ترور و حذف شدند.

۲. در جریان پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، اعضای این گروه چون این وقایع را با تحلیل‌های ذهنی خود منطبق نمی‌دانستند، با این حرکت عظیم همراهی نکردند. با گسترش جریان انقلاب، گروه گروه از زندانیان سیاسی تحت فشار مردم انقلابی از زندان آزاد می‌شدند و تنها چند روز پیش از پیروزی انقلاب، اعضا و کادرهای سازمان نیز آزاد شده و در میان خیل عظیم مردم انقلابی محو شدند. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم شاه، این گروه به‌طور وسیع مبادرت به جمع‌آوری و اختفای سلاح و مهمات و مواد منفجره کردند و علی‌رغم اعلام رسمی و ظاهری مبنی بر انجام فعالیت‌های قانونی سیاسی، هیچ‌گاه حاضر به تحویل سلاح‌های خود به مراجع ذی‌صلاح قانونی نشدند. به این دلیل و به واسطه بروز رفتارهای به‌شدت متناقض و دوگانه در صحنه‌های مختلف و وقایع گوناگون، نام منافقین (به معنی عنصر ناصدق و خیانت‌کار) از سوی مردم بر آن‌ها گذاشته شد؛ و پس از آن اکثر مردم از این گروه نه با نام مجاهدین بلکه با اسم «منافقین» یاد می‌کنند. رفتارهای شخصی و سازمانی آنان نه با الگوها و موازین اسلامی همخوانی داشت و نه با اصول جمهوریت و مردم‌سالاری، هرچند که در ظاهر خود را مسلمان و مردمی (طرفدار خلق) می‌نامیدند.

۳. سازمان در دوره ۲۸ ماهه ابتدای پیروزی انقلاب تا روز ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ (مصادف با ۱۹ ژوئن ۱۹۸۱ میلادی) در ظاهر تلاش می‌کرد رفتارهای خود را در قالب یک گروه سیاسی توجیه کند؛ ولی عملاً و به‌واقع حاضر نبود به لوازم و تبعات این ادعا پای بندی خود را نشان دهد. این دوره که از سوی خود سازمان تحت عنوان «فاز سیاسی» نام گرفته بود، مشحون از اقدامات و رفتارهای منافقانه بود. عدم پایبندی صریح به قانون و نهادهای انقلابی ذیصلاح برآمده از انقلاب و درگیری و نزاع‌های گسترده و عدم تحویل سلاح به نهادهای قانونی و تلاش برای بی‌اعتبار سازی و نامشروع نمایی آن‌ها و قدم به قدم رادیکالیزه و خشونت‌بار کردن این اقدامات و ایجاد فضای تنازع و تقابل و افزایش کینه و دشمنی در میان اعضا و هواداران با سایر صفوف ملت و ایجاد سازمان‌دهی نظامی نیمه مخفی - نیمه علنی در تشکیلات سازمان و نفوذ پنهانی و غیرقانونی در دستگاه‌های حاکمیتی نظام، تنها بخشی از این رفتارهای منافقانه بود.

۴. نهایتاً در ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ و هنگامی که سران گروه تصور می‌کردند به مرحله‌ای رسیده‌اند که قدرت سرنگونی جمهوری اسلامی ایران را در چند حرکت سریع پیدا کرده‌اند، آغاز جنگ مسلحانه و محاربه‌ای بی‌رحمانه علیه مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران را اعلام کردند. در این روز، کادرهای سازمان به خیابان‌ها ریخته و مردم را به سرنگونی جمهوری اسلامی دعوت کردند. بعد از این تاریخ بود که موج ترورهای گسترده سازمان در نقاط مختلف کشور، اقشار گوناگون مردم و نیز مسئولان نظام را هدف قرار داد. به‌طوری که تنها یک هفته پس از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، اولین و سهمگین‌ترین اقدام تروریستی

سازمان با انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی از طریق یک عنصر نفوذی صورت گرفت؛ که طی آن دبیرکل حزب جمهوری اسلامی و رئیس دیوان عالی کشور آقای دکتر سید محمدحسین حسینی بهشتی و ۷۲ تن از مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران را به طرز ناجوانمردانه‌ای به شهادت رساندند.

۵. سازمان در ادامه اقدامات تروریستی و براندازانه خود، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر وقت و سپس دادستان کل انقلاب و تعدادی از ائمه جمعه مراکز استان‌های کشور را با بمب‌گذاری و انجام عملیات انتحاری به شهادت رساند؛ و به موازات آن به‌طور وسیعی به نحو افسار گسیخته و به دور از هرگونه عقلانیت و به‌طور کاملاً وحشیانه اقدام به ترور غیر نظامیان و مردم عادی کرد. اما به دلیل مقاومت مردم و مسئولین نظام، بسیاری از اعضای این سازمان دستگیر و مجازات شده یا در درگیری‌های مسلحانه کشته شدند به نحوی که سران سازمان، ماندن در ایران را برابر با نابودی کامل خود تلقی نموده و به‌منظور ادامه حیات خود در ابتدا سرکرده آن‌ها، مسعود رجوی به همراه رئیس‌جمهور مخلوع، ابوالحسن بنی‌صدر، از کشور گریخته و متعاقب آن سایر کادرها و اعضای که از درگیری‌ها جان سالم به در برده بودند، به خارج از ایران گریختند. ولی همچنان از طریق تعداد محدود هواداران فریب خورده، اقدامات تروریستی خود را در کشور ادامه دادند.

۶. رهبر سازمان در سال ۱۳۶۴ (مصادف با ۱۹۸۵-۱۹۸۶ میلادی) در فرانسه و در حومه پاریس (که محل استقرار اصلی سران گروه محسوب می‌شد) با انتشار اطلاعیه‌هایی، اعلام «انقلاب ایدئولوژیک» نمود و این تصمیم در حقیقت با هدف فرار از پاسخگویی نسبت به تصمیم‌گیری‌های خیانت‌باری بود که منجر به وقوع جنایات بسیار شده بود. با جریان انقلاب ایدئولوژیک، همه اعضا به یک نسبت موظف به وصل خود به رهبر گروه بودند و در خلال همین پروژه بود که مریم قجر عضدانلو بدون هیچ‌گونه دلیل عقلی و شرعی، ابتدا از همسر خود طلاق گرفته و به همسری مسعود رجوی درآمده و نام مجازی مریم رجوی را بر خود اطلاق کرد. سپس، نهاد خانواده به منزله یک مانع در راه منویات رهبری سازمان در سراسر تشکیلات هدف قرار گرفت و به بهانه‌های گوناگون تمامی زنان و مردان و فرزندان که همگی بخشی از نهاد خانواده را تشکیل می‌دادند، بالاجبار و بر اساس یک دستور تشکیلاتی خشک و یک تکلیف اجباری سازمانی از هم جدا شده و نهاد خانواده برای همیشه در میان صفوف و تشکیلات سازمان متلاشی شد. سپس، همه مردان از مسئولیت‌های مهم و رده‌های بالای سازمان عزل شده و به جای آن زنان و دخترانی گمارده شدند که فرمان‌پذیری و تبعیت بیش‌تری از خود نشان می‌دادند. مجموعه این اقدامات درون سازمانی به نحوی انجام شد که از سوی بسیاری از صاحب‌نظران، این گروه به‌عنوان یک فرقه مورد ارزیابی و شناسایی قرار گرفت.

۷. با انقلاب ایدئولوژیک، سرکرده سازمان برای اتخاذ تصمیمات جنایتکارانه خود، با مقاومت و مخالفت بسیار کمتری در میان اعضا مواجه بود و اعضای سازمان وصف «سرسپاری» را به‌عنوان یک ارزش والای

تشکیلاتی از افتخارات خود می‌دانستند. در این فضای درونی تشکیلات بود که رجوی (همراه با همسر جدیدش) راه‌های خیانت و جنایت را در ابعاد وسیع ملی و میهنی و بین‌المللی طی کرد.

۸. سازمان همزمان با جنگ ۸ ساله عراق با ایران، ضمن انتقال تمامی اعضای سازمان به کشور عراق، به مزدوری و مشارکت وسیع و صریح و علنی با رژیم بعث عراق در آمد. این سازمان با حمایت و پشتیبانی رژیم بعث صدام هم از حیث مالی و هم از جنبه نظامی با تحویل پادگان اشرف به آنان در آن ایام، حمله مستقیم به مرزهای کشور و به شهادت رساندن غیرنظامیان و سربازان مدافع کشور را در اهداف خود گنجانده. جاسوسی و ارائه اطلاعات و اسرار کشور به بیگانگان، ادامه اقدامات تروریستی در اشکال گوناگون، از جمله حمله مسلحانه به مردم در شهرها و مناطق مسکونی، شناسایی اماکن و مراکز حساس و حیاتی کشور و دادن اطلاعات آن به دشمن و نیز انفجار خطوط و لوله‌های نفتی، حمله به پاسگاه‌های مرزی و ... از اقدامات آن‌ها بود و حتی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط جمهوری اسلامی ایران، رهبر سازمان با اخذ اجازه از دولت متجاوز بعث عراق و در قالب یک به‌اصطلاح ارتش مکانیزه به مرزهای جمهوری اسلامی ایران حمله کرده و با سودای فتح ۳ روزه تهران، جنایاتی را تحت نام عملیات موسوم به فروغ جاویدان آفرید که ضمن تحمل تلفات سنگین، البته تعدادی از مردم عادی و غیرنظامیان را نیز به شهادت رساندند.

۹. پس از پایان جنگ ایران و عراق و علی‌رغم برقراری آتش بس بین دو کشور، سازمان هم‌چنان بر رویه خیانت بار خود اصرار ورزیده و در مواقعی که روابط دو کشور به تیرگی می‌گرایید به شکل یک مزدور، خوش خدمتی به دشمن را فراموش نمی‌کرد. در این دوره علاوه بر برخی ترورها، حمله موشکی به برخی ادارات و نهادهای دولتی و حکومتی و جاسوسی‌های علمی، فنی و سیاسی و اقتصادی و ... و بمب‌گذاری در خطوط لوله‌های نفتی را در کارنامه تروریستی خود دارند.

۱۰. در خلال انتفاضه اول مردم عراق در سال ۱۳۷۰ (مصادف با ۱۹۹۲-۱۹۹۱ میلادی)، سازمان همراه با دستگاه نظامی و امنیتی رژیم بعث عراق نسبت به سرکوب مردم عشایر و کردهای عراقی اقدام نمود و بسیاری از مردم بی‌گناه را به شهادت رساندند. پس از آن هر چه زمان می‌گذشت، امکان ادامه حضور همراه با فعالیت‌های تروریستی آنان در عراق سخت‌تر می‌شد. در سال ۱۳۶۷ (مصادف با ۱۹۸۹-۱۹۸۸ میلادی) و در جریان یک سری صحنه‌سازی‌های تصنعی از سوی شورای به‌اصطلاح ملی مقاومت (که در واقع نقش پوشش سیاسی سازمان را ایفا می‌کرد)، ابتدا مریم رجوی به مقام جعلی رئیس جمهوری ایران معرفی و چند روز پس از آن به همراه تعدادی از کادرهای فعال سازمان و به‌منظور تشدید فعالیت‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، به اروپا و فرانسه اعزام شدند.

۱۱. بعد از آن، سازمان همواره در تلاش بوده تا به هر نحو ممکن و تحت هر عنوان در عراق حضور داشته و با حمایت برخی سیاسیون غرب و عناصر و عشایر وابسته به رژیم سابق عراق، برای خود دیواره حمایتی و حفاظتی ایجاد نماید، ولی عزم و اراده جدی مردم و دولت جدید عراق بر تمهیدات این گروه چیره شد

و در مرحله اول تمامی عناصر سازمان در عراق در قرارگاه موسوم به اشرف تحت محاصره قرار گرفته و پس از آن به اردوگاهی به نام لیبرتی منتقل شده و در نهایت، در شهریور سال ۱۳۹۵ (مصادف با آگوست- سپتامبر ۲۰۱۶ میلادی) آخرین گروه از نفرات سازمان از عراق خارج و به کشور آلبانی منتقل شدند.

۱۲. قطعاً این دوره، آخرین مرحله از حیات ننگین آنان نبوده و این سازمان علی‌رغم شرایط اسفباری که بر آن حاکم است، به حیات خوار و خفیف و خائنه خود در قالب اشکال و برنامه‌های توطئه آمیز دیگری ادامه می‌دهند.

تمامی عناصر این گروه همانند اعضای گروه موسوم به داعش، هر چند که در کشورهای مختلف اقامت دارند، لکن به‌صورت بالقوه پتانسیل تهدید امنیت تمام کشورهای مقیم را دارند و در هر حال، به حکم قانون و به حکم حق و عدل می‌باید به کیفر جنایت‌های خود برسند.

۱۳. لازم به توضیح است که جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و برخی اتهامات گروهک تروریستی منافقین که از نوع جرائم مستمر است، مشمول مرور زمان قرار نمی‌گیرند، مانند: اداره تشکیلات ضدامنیتی و تروریستی، تشویق و تهییج به اخلاف درنظم عمومی و آشوب، نشر اکاذیب با هدف برهم زدن امنیت ملی ایران، جاسوسی و

خاطر نشان می‌شود که در بخشی از صحبت‌های نماینده دادستان، به درخواست وی فیلمی از ملاقات مسعود رجوی با ژنرال حبوش، رئیس سرویس اطلاعات عراق، پخش شد که رجوی ضمن اذعان به انجام اقدام تروریستی ۷ تیر و انفجار دفتر نخست وزیری، می‌گوید هم کاخ سفید (آمریکا) و هم کاخ الیزه (فرانسه) از این اقدامات ما مطلع بودند! متن اقرار رجوی به این شرح است: «هم کاخ سفید و هم کاخ الیزه که ما با آن‌ها در ارتباط بودیم، می‌دانستند که ساختمان حزب جمهوری اسلامی را در ایران چه کسی منفجر کرده و چه کسی و چه جریانی رئیس جمهور و نخست وزیر را از بین برد (شهید کرد). آنها خوب می‌دانستند، ولی به ما تروریست نمی‌گفتند!»



